

پژوهش حقوق کیفری، سال دوم، شماره سوم، بهار و تابستان ۱۳۹۲، ص ۹۸-۶۷

حمایت‌های حقوقی دیوان کیفری بین‌المللی از بزه‌دیدگان

بهزاد رضوی فرد* - مرضیه دیرباز**

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۱۱/۱۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۶/۸)

چکیده

دیوان کیفری بین‌المللی، با صلاحیت رسیدگی به خطرناک‌ترین جنایت‌های مورد اهتمام جامعه بین‌المللی و برای پایان بخشیدن به بی‌کیفرمانی مرتکبان این جنایت‌ها، تأسیس شده است. مقررات دیوان حمایت‌های حقوقی گوناگونی را برای بزه‌دیدگان در نظر گرفته‌اند. اساسنامه‌ی رم، آیین دادرسی و ادله، آیین‌نامه‌های دیوان، آیین‌نامه‌های کارکنان و موافقت‌نامه مربوط به مزایا و مصونیت‌های دیوان، اسنادی هستند که حقوق بزه‌دیدگان را در فرایند دادرسی مشخص می‌کنند. حقوقی نظیر مشارکت در دادرسی‌ها، بهره‌مندی از معاضدت نمایندگان قانونی، آگاهی از نظام عدالت کیفری و امنیت، در قلمرو حمایت‌های حقوقی قرار دارند. این پژوهش - در پرتو مقررات دیوان و با در نظر گرفتن رویه‌ی قضایی موجود - به تبیین و بررسی حقوق بزه‌دیدگان در مراحل دادرسی دیوان کیفری بین‌المللی می‌پردازد.

کلید واژگان: مقررات دیوان کیفری بین‌المللی، حمایت حقوقی، مشارکت، نماینده‌ی قانونی، آگاهی از نظام عدالت کیفری، امنیت

* استادیار دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول)

Email: razavi1351@yahoo.com

** کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه مفید

مقدمه

دیوان کیفری بین‌المللی، جایگاه رفیعی را برای "بزه‌دیده" در فرآیند عدالت کیفری بین‌المللی به ارمغان آورده است. خیل عظیم بزه‌دیدگان جنایت‌های مشمول صلاحیت دیوان-نسل‌زدایی، جنایت‌های علیه بشریت، جنایت‌های جنگی و تجاوز-، خواستار تضمین حقوق خویش از رهگذر ایفای نقشی فعال در فرآیند دادرسی هستند. دادرسی کیفری یکی از اساسی‌ترین جنبه‌های حقوق بشر است و حمایت‌های حقوقی در قوانین آیین دادرسی کیفری مورد شناسایی قرار می‌گیرند. حمایت‌های حقوقی، ساز و کارهایی هستند که برای احقاق حقوق بزه‌دیدگان در سراسر فرآیند جنایی لحاظ می‌شوند.

دیوان کیفری بین‌المللی که بر مبنای اساسنامه‌ی رم ایجاد شده است، دارای سندهای متعددی است. ماده‌ی ۷ "آیین‌نامه‌های دیوان" مقرر می‌دارد: «۱- یک روزنامه‌ی رسمی برای دیوان ایجاد شده و حاوی متن‌های زیر و اصلاحات مربوط به آنها خواهد بود: الف) اساسنامه؛ ب) آیین دادرسی و ادله؛ ج) عناصر جنایت‌ها؛ د) آیین‌نامه‌های دیوان؛ ه) آیین‌نامه‌های دادرسی؛ و) آیین‌نامه‌های دفتر ثبت و بایگانی؛ ز) قانون رفتار حرفه‌ای و کلا؛ ح) قانون اخلاق قضایی؛ ط) آیین‌نامه‌های کارکنان؛ ی) آیین‌نامه‌ها و قواعد مالی؛ ک) موافقت‌نامه‌ی مربوط به مزایا و مصونیت‌های دیوان؛ ل) موافقت‌نامه‌ی همکاری میان دیوان و ملل متحد؛ م) موافقت‌نامه‌ی مربوط به مقرر با دولت میزبان؛ ن) هرگونه مورد دیگری که هیأت رئیسه ضمن مشورت با دادستان و یا رئیس دفتر ثبت و بایگانی مقرر کند. ۲- روزنامه‌ی رسمی، تاریخ لازم‌الاجرا شدن هر متن یا اصلاحیه‌ی مربوطه را معلوم خواهد کرد.» (محمد نسل، ۱۳۸۵، ص ۲۷۶). از این رو، تمام اسناد یادشده و همچنین "آیین کارگزاران دیوان"^۲ توسط روزنامه‌ی رسمی منتشر شده‌اند (<http://www.icc-cpi.int/Menus/ICC/Legal+Texts+and+Tools>).

1. The Rome Statute; The Rules of Procedure and Evidence; The Elements of Crimes; The Regulations of The Court; The Regulations of The Office of The Prosecutor; The Regulations of The Registry; The Code of Professional Conduct For Counsel; The Code of Judicial Ethics; The Staff Regulations; The Financial Regulations and Rules; The Agreement on The Privileges and Immunities of The International Criminal Court; The Agreement Between The International Criminal Court and The United Nations; The Headquarters Agreement With The Host States.

2. Staff rules of the International Criminal Court

از میان این اسناد، اساسنامه‌ی رم، آیین دادرسی و ادله، آیین‌نامه‌های دیوان، آیین‌نامه‌های کارکنان و موافقت‌نامه‌ی مربوط به مزایا و مصونیت‌های دیوان، حقوق بزه‌دیدگان را در فرایند دادرسی مشخص می‌کنند. از این‌رو، پژوهش حاضر با تمرکز بر پنج سند یادشده، حقوق بزه‌دیده در مراحل دادرسی دیوان را در چهار مبحث با عناوین "حق مشارکت در دادرسی"، "حق بهره‌مندی از معاضدت نماینده‌ی قانونی"، "حق آگاهی از سیستم عدالت کیفری" و "حق امنیت" تبیین می‌کند. رویه‌ی قضایی دیوان نیز، به فراخور مباحث مورد اشاره قرار می‌گیرد.

گفتار اول. حق مشارکت در دادرسی

همه‌ی بزه‌دیدگان نمی‌توانند از مشارکت فعال در هرگونه فرآیندی بهره‌مند شوند، اما امکان چنین مشارکتی باید فراهم شود. شرکت بزه‌دیده در دادرسی، در نظام‌های حقوقی مختلف به شیوه‌های متفاوتی تأمین می‌شود. در بسیاری از کشورها دادستان نماینده‌ی دیدگاه‌های بزه‌دیده انگاشته می‌شود، و در برخی کشورها فرم‌های "اظهارات بزه‌دیده در مورد آثار جرم بر خود"^۱ استفاده می‌شود. کشورهای درگیر در طرح اساسنامه‌ی رم، سعی داشتند تا با تأکید بر شایستگی‌های نظام‌های حقوقی خود، اصول حقوقی خود را حاکم کنند، اما با گذشت زمان دریافتند که قواعد و مقررات داخلی به خودی خود قابل استفاده در محاکم بین‌المللی نیستند. بدین سان، اعمال تلفیقی از قواعد و رویه‌های ناشی از نظام‌های مختلف حقوقی یا ایجاد قواعد جدیدی، ضروری به نظر رسید.

آیین دادرسی و ادله‌ی محاکم یوگسلاوی و رواندا، هیچ نوع امکان دخالت بزه‌دیدگان در نقشی غیر از "شاهد" را پیش‌بینی نمی‌کنند. این امر از سوی قربانیان و به ویژه سازمان‌های حامی بازماندگان و خویشاوندان قربانیان جنایت نسل‌زدایی رواندا، به‌عنوان یک خلاء قانونی جدی احساس شده است (والین، ۱۳۸۵، ص ۴۰). بزه‌دیدگانی که از سوی محاکم به

۱. Victim impact statements برای نخستین بار در سال ۱۹۹۷ در انگلستان به کار گرفته شد. این طرح تلاشی است به‌منظور مشارکت بزه‌دیدگان در دادرسی که بزه‌دیدگان تمامی جرایم را به توصیف تأثیرات بزه دیدگی تشویق می‌کند. بدین ترتیب، بزه‌دیده می‌تواند گزارش کاملی از آثار جرم روی داده را تنظیم کرده و به دادگاه ارایه کند. برای اطلاعات بیشتر ن. ک. به:

Sandra Walklate, *Understanding Criminology: Current Theoretical Debates*, (England, Buckingham, Philadelphia, Open University Press, 2003), p. 132.

عنوان شاهد فراخوانده نمی‌شدند، هیچ حق یا امکانی برای حضور نزد دیوان نمی‌یافتند. حضور بزه‌دیدگان به عنوان شاهد نیز به معنای امکان آرایه‌ی دیدگاه‌ها و دغدغه‌های آنان نبود. در حقیقت، ادای شهادت محدود به موضوعاتی می‌شود که احضار کننده‌ی شاهد مایل به طرح آنهاست. به همین دلیل می‌باشد که بزه‌دیدگان - افزون بر اینکه احساس می‌کنند از سوی عدالت کیفری فراموش شده‌اند - معتقدند از جانب دادگاه به عنوان ابزاری مورد استفاده قرار می‌گیرند، زیرا حتی به هنگام یافتن فرصتی برای سخن گفتن نیز نمی‌توانند از آنچه که مایل به بیان آن هستند حرف بزنند، بلکه تنها می‌بایست به سؤالات پاسخ دهند (William, 2004, P. 107).

در نهایت، دیوان کیفری بین‌المللی با پشتیبانی سازمان‌های حمایت از حقوق بشر و حمایت از قربانیان و همچنین متأثر از دکترین "مدعی خصوصی" (Mekjiant & Varughese, 2005, P.17)، گامی جسورانه در مسیر شناسایی حقوق بزه‌دیدگان برداشت. هرچند امکان شرکت قربانیان در دادرسی، حق طرح دعوی در دادگاه به شمار نمی‌آید و نمی‌توان از شکل‌گیری مدعی خصوصی صحبت کرد، اما این امر نسبت به سیستم کامن‌لو که آیین دادرسی محاکم ویژه‌ی یوگسلاوی و رواندا را ساماندهی می‌کند، یک تحول واقعی محسوب می‌شود.

یکی از مهمترین حقوق اعطا شده به بزه‌دیدگان حق مشارکت در دادرسی‌های مربوط به وضعیت‌ها^۲ و پرونده‌های^۳ مطرح نزد دیوان است. لوک والین^۱ در نخستین اظهارات

۱. دعوای خصوصی (Action Civile) در حقوق فرانسه، همان اتخاذ تصمیم دادگاه کیفری در زمینه‌ی جبران ضرر و زیان وارد بر بزه‌دیده است. بر همین اساس، بسیاری از نظام‌های حقوق مدنی، حق بزه‌دیده را برای پیوستن به رسیدگی‌های کیفری به منزله‌ی مدعی خصوصی (Partie Civile) به رسمیت می‌شناسند. این امر، به دلایلی مانند اصل صرفه‌جویی در آیین دادرسی و آسان کردن بررسی ادعای مدنی، توجیه شده است.

۲. تا تاریخ ۲۲ سپتامبر ۲۰۱۱، هفت وضعیت (Situation) به دیوان ارجاع شده است: دارفور سودان؛ کنگو؛ اوگاندا؛ افریقای مرکزی؛ کنیا، لیبی و ساحل عاج. برای اطلاعات بیشتر، بنگرید به: <http://www.icc-justice.org/Situations+and+cases/Situationscpint/Menu/ICC/>.

۳. تا تاریخ ۲۲ سپتامبر ۲۰۱۱، دوازده پرونده (Case) نزد دیوان مطرح شده است که به تفکیک وضعیت‌ها عبارتند از: چهار پرونده در وضعیت جمهوری دموکراتیک کنگو: پرونده‌ی دادستان در برابر Thomas Lubanga Dyilo (ICC-01/04-01/06)، پرونده‌ی دادستان در برابر Mathieu Ngudjolo و Germain Katanga (ICC-01/04-01/07) Chui، پرونده‌ی دادستان در برابر Bosco Ntaganda (ICC-01/04-02/06) و

خویش در برابر دیوان در جلسه‌ی تأیید اتهامات توماس لوبانگا^۲ خاطرنشان کرد؛ امروز برای نخستین بار در تاریخ عدالت کیفری بین‌المللی بزه‌دیدگان می‌توانند نظرات و دل‌نگرانی‌های خویش را از طریق وکلای خود ابراز نمایند، امروز آنها می‌توانند از خود بگویند (Will, 2007, P. 101).

پیش از هر چیز، باید دانست مشارکت از منظر مقررات دیوان به چه معناست.

الف. تعریف مشارکت

اساسنامه‌ی رم تعریفی از "مشارکت"^۳ ارائه نکرد و به همین دلیل، ابهاماتی در مورد گستره‌ی مفهوم این واژه و حقوق ناشی از آن، مطرح شد. مقررات دیوان از دو واژه‌ی "مشارکت کننده"^۴ و "طرف"^۵ برای "بزه‌دیده" استفاده کرده‌اند. اگر قربانی یکی از

پرونده‌ی دادستان در برابر Callixte Mbarushimana (ICC-01/04-01/10)؛ یک پرونده در وضعیت جمهوری آفریقای مرکزی: پرونده‌ی دادستان در برابر Jean-Pierre Bemba Gombo (ICC-01/05 -)؛ یک پرونده در وضعیت اوگاندا: پرونده‌ی دادستان در برابر Joseph Kony ، Vincent Otti ، Okot ، Dominic Ongwen و Odhiambo (ICC-02/04-01/05)؛ چهار پرونده در وضعیت دارفور سودان: پرونده‌ی دادستان در برابر Ahmad Muhammad Harun و Ali Muhammad Ali Abd-Al-Rahman (ICC-02/05-01/07)؛ پرونده‌ی دادستان در برابر Omar Hassan Ahmad Al Bashir (ICC-02/05-01/07)؛ پرونده‌ی دادستان در برابر Bahar Idriss Abu Garda (ICC-02/05-02/09) و پرونده‌ی دادستان در برابر Abdallah Banda Abakaer Nourain و Saleh Mohammed Jerbo Jamus (ICC-02/05-03/09) و دو پرونده در وضعیت جمهوری کنیا: پرونده‌ی دادستان در برابر William Samoei Ruto ، Henry Kiprono Kosgey و Joshua Arap Sang (ICC-01/09-01/11) و پرونده‌ی دادستان در برابر Mohammed Hussein Ali و Uhuru Muigai Kenyatta ، Francis Kirimi Muthaura (ICC-01/09-02/11). برای اطلاعات بیشتر در این زمینه، بنگرید به: <http://www.icc.int/Menu/ICC/Situations+and+Cases/Cases.cpi.int>.

۱. لوك والين (Luc Walley) به همراهی فرانک مولندا (Frank Mulenda) وکلای a/001 و a/002 و a/003 در کنار گیبیه (Gebbie) به همراهی کارین باپیتا (Carine Bapita) وکلای a/005، نخستین نمایندگان قانونی‌ای هستند که در برابر دیوان حضور یافتند.

۲. لوبانگا، مؤسس و رهبر اتحادیه‌ی وطن پرستان کنگویی، نخستین متهم دیوان است. اتهام وی به خدمت گرفتن کودکان سرباز و شرکت دادن آنان در گروگان‌گیری، از سپتامبر ۲۰۰۲ تا اوت ۲۰۰۳ است.

3. Participation

4. Participate

5. Party

طرفین دعوی باشد از حقوق مشخصی مانند حق ارائه‌ی مدرک یا جرح و تعدیل شاهد برخوردار خواهد بود، اما اگر یک مشارکت کننده باشد، از همان حقوقی بهره‌مند خواهد بود که دیوان برای وی پیش‌بینی کرده است (Bassiouni, 2006, P. 245). با تعریفی که "بخش مشارکت و جبران خسارات بزه‌دیدگان" ارائه کرد، ابهام‌ها برطرف شد. براساس این تعریف، مشارکت در دادرسی به معنای امکان ابراز دیدگاه‌ها و دل‌نگرانی‌های بزه‌دیدگان به طور مستقیم نزد دادرسان دادگاه است (Booklet, P. 15).

مشارکت در دادرسی‌های دیوان معمولاً از رهگذر نمایندگان قانونی صورت می‌پذیرد، اما در محاکمه‌ی لوبانگا سه بزه‌دیده شخصاً در دیوان حضور یافتند (Stover, et al, 2010, P. 3). بخش مشارکت و جبران خسارات بزه‌دیدگان از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۰، در مجموع ۲۲۹۰ درخواست مشارکت در دادرسی و ۳۳۰ درخواست جبران خسارت دریافت کرده است (Registry and Trust Fund for Victims Fact Sheet, 2010, P. 1).

بزه‌دیده در صورتی می‌تواند به عنوان یک مشارکت کننده در دیوان حضور یابد، که تشریفات پیش‌بینی شده در اسناد را رعایت نماید.

ب. تشریفات بهره‌مندی از حق مشارکت

دیوان به منظور اعطای حق مشارکت به قربانیان، شرایطی را مقرر کرده است. روند اعمال این حق در دو مرحله قابل بررسی است:

درخواست مشارکت در دادرسی

بر اساس بند ۱ ماده‌ی ۸۹ آیین دادرسی و ادله‌ی دیوان، بزه‌دیدگان برای بهره‌گیری از حق مشارکت در دادرسی‌ها ملزم به ارائه‌ی درخواست کتبی به رئیس دفتر ثبت و بایگانی هستند. وی موظف است قربانیان را برای شرکت در مراحل مختلف تعقیب مساعدت نماید (قسمت ۳ بند ۱ ماده‌ی ۱۶ آیین دادرسی و ادله)، و بدین منظور می‌تواند دیر و ویژه‌ای برای ساماندهی امور مربوط به بزه‌دیدگان اختصاص دهد (بند ۳ ماده‌ی ۱۶).

دفتر ثبت برای تسهیل این امر، فرم‌های استاندارد تنظیم کرده است. قربانیان می‌توانند فرم‌های درخواست مشارکت را از بخش مشارکت و جبران خسارات بزه‌دیدگان - مستقر در دفتر ثبت و یا از طریق پایگاه اینترنتی دیوان تهیه نموده و با تکمیل و ارسال آنها به همان

بخش، تقاضای خود مبنی بر مشارکت در دادرسی‌ها را اعلام نمایند. رئیس دفتر ثبت در کنفرانس بازنگری اساسنامه‌ی رم اظهار داشت: «تا امروز ۲۶۴۸ بزه‌دیده درخواست مشارکت در دادرسی را به دیوان تقدیم نموده‌اند و ۷۷۰ نفر شایستگی مشارکت را دریافت کرده‌اند» (RC-11-Annex.V.a-ENG, 2010, P. 88).

فرم‌ها در دو نسخه تنظیم شده‌اند. "فرم درخواست مشارکت ۱" برای افراد، و "فرم درخواست مشارکت ۲" برای سازمان‌ها و مؤسسات در نظر گرفته شده است. تکمیل فرم‌ها باید به صورت فردی و جداگانه - به ازاء هر قربانی یک فرم (Booklet, P. 25 & 26) - و به زبان انگلیسی یا فرانسه زبان‌های کاری دیوان - صورت گیرد. ارسال فرم‌ها هزینه‌ای به همراه ندارد. قربانیان برای ارسال درخواست‌های خود محدودیت زمانی ندارند، اما از آنجا که بررسی دقیق درخواست‌ها و تصمیم‌گیری در مورد آنها از سوی دادرسان کاری زمان‌بر است، فرم‌ها باید زمانی ارسال شوند که فرصت کافی برای بررسی آنها وجود داشته باشد.

رئیس دفتر ثبت پس از دریافت فرم، آن را به شعبه‌ی مربوطه ارسال نموده و رونوشتی از آن را به دادستان و متهم - به منظور پاسخگویی آنها در مهلت مقرر - ارائه می‌کند (بند ۱ ماده‌ی ۸۹ آیین دادرسی و ادله). از این رو، قربانیان قبل از هر گونه اقدامی برای تکمیل و ارسال فرم‌ها، می‌بایست خطرات و تهدیداتی را که از سوی متهم، خانواده و یا دوستان او متحمل خواهند شد، در نظر بگیرند. قربانیان جرایم جنسی، باید با پذیرش پیامدهای ناشی از ارسال فرم‌ها - مانند در دسترس عموم قرار گرفتن بخشی از اطلاعات - در جامعه‌ی خود و با لحاظ سنت‌ها و فرهنگ خاص خود، اقدام به این امر نمایند.

پیامدهای ناشی از آگاهی افراد جامعه - یا به بیان بهتر، محله‌ای که بزه‌دیده در آن زندگی می‌کند - از بزه دیدگی فرد، به ویژه در مورد قربانیان خشونت‌های جنسی - با توجه به شرایط فرهنگی حاکم بر جامعه‌ی قربانی - ممکن است بسیار وخیم تر و جبران‌ناپذیر تر از خود جرم باشد. تدبیر اندیشیده شده از سوی دیوان برای کاهش چنین فشارهایی، پیش‌بینی بخش «H» در فرم‌هاست. در صورتی که بزه‌دیدگان خواستار عدم افشای هویت خود و مخفی ماندن اطلاعات ارسالی باشند، با تکمیل این قسمت، درخواست خود را به دیوان اعلام می‌نمایند. بدین ترتیب، دادرسان مسئول بررسی درخواست‌ها، در این مورد نیز

تصمیمات مقتضی را اتخاذ خواهند کرد. دادرسان دیوان پس از بررسی فرم‌ها، در مورد شایستگی بزه‌دیده برای مشارکت در دادرسی تصمیم می‌گیرند.

بررسی درخواست‌ها نزد شعبه‌های دیوان و تصمیم‌گیری در مورد آنها

شعبه، پس از بررسی درخواست متقاضی و با لحاظ نظرات ارائه شده از سوی دادستان و متهم، در مورد شایستگی فرد به عنوان یک "بزه‌دیده"، شیوه‌ی مناسب مشارکت بزه‌دیدگان - مانند اخذ اظهارات اولیه یا نهایی^۱ - و مرحله‌ی بهره‌مندی از این حق، تصمیم‌گیری می‌نماید. در صورتی که تعداد درخواست‌ها زیاد باشد، شعبه می‌تواند یک تصمیم در مورد همه‌ی آنها اتخاذ کند (بند ۴ ماده‌ی ۸۹ آیین دادرسی و ادله). بدین سان، تصمیم‌گیری در خصوص دو مسأله بر دوش دادرسان نهاده شده است:

آیا فرد بر پایه‌ی مقررات دیوان یک "بزه‌دیده" است؟

در صورت اعطای وضعیت حقوقی بزه‌دیده به فرد، آیا او شایسته‌ی برخورداری از حق مشارکت در دادرسی است؟

وضعیت حقوقی "بزه‌دیده"

پیش شرط بهره‌مندی افراد از حقوق پیش‌بینی شده در دیوان، امکان قرار گرفتن آنان در قلمرو تعریف بزه‌دیده - بر پایه‌ی مقررات دیوان - است. آیین دادرسی و ادله‌ی دادگاه ویژه‌ی رواندا تعریفی از بزه‌دیده ارائه نکرده است، اما بند الف ماده‌ی ۲ آیین دادرسی و ادله‌ی دیوان کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق، بزه‌دیده را چنین تعریف کرده است: «هر شخص حقیقی که نسبت به او جرمی ارتکاب یافته است که رسیدگی به آن در صلاحیت دادگاه ویژه باشد.» بنابراین، با توجه به کاربرد واژه‌ی "شخص حقیقی" در این تعریف، اشخاص حقوقی از دیدگاه دیوان یوگسلاوی بزه‌دیده به شمار نمی‌آیند. به علاوه، تعریف ارائه شده در آیین دادرسی و ادله‌ی دیوان کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق، بزه‌دیدگان نامستقیم را در بر نمی‌گیرد، زیرا قربانیان اشخاصی هستند که "نسبت به آنها" جرمی رخ داده است.

بند ۱ قسمت الف اعلامیه‌ی اصول بنیادین عدالت برای بزه‌دیدگان و قربانیان سوءاستفاده از قدرت مجمع عمومی ملل متحد در سال ۱۹۸۵، مقرر می‌دارد: «بزه‌دیدگان

اشخاصی هستند که در پی فعل‌ها یا ترک فعل‌های نقض‌کننده‌ی قوانین کیفری دولت‌های عضو، به شکل فردی یا گروهی، به آسیب - بدنی، روانی، درد و رنج عاطفی، زیان اقتصادی یا آسیب اساسی به حقوق بنیادی - دچار شده‌اند. «واژه‌ی بزه‌دیده، به مناسبت، خانواده‌ی درجه‌ی یک، دیگر بستگان بزه‌دیده‌ی مستقیم و اشخاصی که در جریان کمک به بزه‌دیدگان صدمه دیده یا با کمک به پیشگیری از بزه‌دیدگی آسیب دیده‌اند را نیز در بر می‌گیرد» (بند ۲ قسمت الف اعلامیه). تعریف ارائه شده از سوی اعلامیه، با توسعه‌ی مفهوم قربانی به قربانیان نامستقیم، نه تنها خود بزه‌دیده، بلکه خانواده و خویشاوندان او، و حتی اشخاصی را که در جریان پیشگیری از بزه‌دیدگی و یا کمک به بزه‌دیدگان دچار آسیب شده‌اند، تحت پوشش قرار می‌دهد. با این حال، هیچ قرینه‌ای مبنی بر شمول این تعریف بر اشخاص حقوقی وجود ندارد.

بر پایه‌ی ماده‌ی ۸۵ آیین دادرسی و ادله‌ی دیوان، بزه‌دیدگان اشخاصی هستند که در نتیجه‌ی ارتکاب هر یک از جنایت‌های مشمول صلاحیت دیوان متحمل صدمه شده‌اند. همچنین، بزه‌دیدگان می‌توانند سازمان‌ها یا نهادهایی باشند که به اموال آنها - مانند اموال اختصاص یافته به اهداف مذهبی، تحصیلی، هنری، علمی و خیریه - اماکن آنها - مانند آثار تاریخی، بیمارستان‌ها و ... - یا اشیاء آنها - مانند اشیاء اختصاص یافته به اهداف بشر دوستانه - خسارت و آسیب مستقیمی وارد شده باشد.

بدین ترتیب، گستره‌ی مفهوم بزه‌دیده در دیوان، در مقام مقایسه با دادگاه‌های اختصاصی و اعلامیه‌ی ۱۹۸۵ چنین برآورد می‌شود:

مفهوم بزه‌دیده در دیوان کیفری بین‌المللی، با پذیرش بزه‌دیدگان نامستقیم در قلمرو قربانیان، در مقام مقایسه با دادگاه‌های اختصاصی، توسعه یافته است. بدین ترتیب، میزان فاصله از خاستگاه بزه‌دیدگی، بر شناسایی یک شخص به عنوان بزه‌دیده بی‌تأثیر است. تعریف ارائه شده از سوی اعلامیه‌ی ۱۹۸۵، سازمان‌ها، مؤسسات، آثار تاریخی، بیمارستان‌ها و اماکن دیگر را تحت پوشش قرار نمی‌دهد. از این رو، مفهوم قربانی در دیوان، مفهومی گسترده‌تر به شمار می‌آید و علاوه بر اشخاص حقیقی، اشخاص حقوقی را هم تحت پوشش قرار می‌دهد. شایان ذکر است، فهرست سازمان‌ها و نهادهای مورد اشاره‌ی دیوان، یادآور مقررات پروتکل‌های الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو - راجع به حمایت از اموال فرهنگی و مذهبی - است.

با توجه به تعریف بزه دیده در آیین دادرسی و ادله، و همسو با تصمیم ۱۱ ژوئیه ۲۰۰۸ شعبه‌ی تجدیدنظر در پرونده‌ی لوبانگا (http://www.vrwg.org/publications/01/2008%20August_legal_Update.pdf) موجب نمی‌کند، اما وجود صدمه‌ی شخصی لازم است. وجود رابطه‌ی سببیت میان اتهامات وارد بر متهم و صدمه‌ی ادعایی بزه دیده نیز، ضروری است. بدین سان، دادرسان در صورتی وضعیت حقوقی "بزه دیده" را به متقاضی اعطا خواهند کرد که: ۱. فرد متحمل صدمه شده باشد؛ و ۲. آن صدمه در نتیجه‌ی رویداد جرایم تحت صلاحیت دیوان ایجاد شده باشد. قربانیان در بخش «D» افرم‌های درخواست مشارکت، جرم‌های رخ داده را معرفی می‌کنند و در بخش «E»، ماهیت دقیق آسیب‌های برخاسته از جرم‌های عنوان شده را توصیف می‌نمایند. هرگونه مدرکی - مانند مدارک پزشکی - که ادعای بزه دیدگان را اثبات و به رسیدگی دادگاه کمک می‌کند نیز، به پیوست فرم‌ها ارسال می‌شود. پس از اثبات بزه دیدگی، دادرسان در خصوص شایستگی حضور در دیوان تصمیم می‌گیرند.

شایستگی مشارکت در دادرسی‌ها

به موجب بند ۳ ماده‌ی ۶۸ اساسنامه‌ی رم، حق مشارکت در دادرسی‌ها در صورتی به قربانیان اعطا خواهد شد که: ۱. منافع شخصی قربانیان متأثر شده باشد؛ و ۲. مشارکت در دادرسی‌ها برای آنان مناسب باشد. دیوان تعریفی از واژگان "منافع شخصی" و "مناسب" ارائه نکرده است و به همین دلیل ابهاماتی در این خصوص وجود دارد. در هر صورت، با وجود این دو شرط، دادرسان اجازه‌ی مشارکت در دادرسی‌ها را به شیوه‌ای که منافی و یا معارض با حقوق متهم و نیز یک محاکمه‌ی بی طرفانه و منصفانه نباشد، در مراحل مختلف دادرسی اعطا خواهند کرد (بند ۳ ماده‌ی ۶۸ اساسنامه).

در این راستا، شعبه‌ی پیش از محاکمه‌ی II در پرونده‌ی دادستان در برابر ویلیام سامویی روتو، هنری کیرونو کاسگی و جوزف آرپ سانگ - تا تاریخ ۳۰ آگوست ۲۰۱۱ - به ۳۲۷ قربانی اجازه‌ی مشارکت در فرایند کیفری دیوان را اعطا کرده است (ICC-CPI-20110830-PR715, 2011). همچنین، بر مبنای تصمیم شعبه‌ی پیش از محاکمه‌ی II در پرونده‌ی دادستان در برابر فرانسیس کیریمی موتارا، اوهورو مویگای کنیاتا و محمد حسین علی - تا ۲۱ سپتامبر ۲۰۱۱ -، ۲۳۳ قربانی شایستگی مشارکت در دادرسی‌ها را به دست آورده‌اند (ICC-CPI-20110921-PR724, 2011).

بزه‌دیدگان می‌توانند در فعالیت‌های دیوان کیفری بین‌المللی به عنوان یک عضو راهنما شرکت کنند (شبت، ۱۳۸۴، ص ۱۹۱). مشارکت قربانیان در اولین مرحله‌ی رسیدگی دیوان - تحقیق یک وضعیت - موضوع مباحثاتی میان دادستان و شعبه‌ی مقدماتی قرار گرفته بود. از دیدگاه دیوان، میان وضعیت و پرونده تفاوت‌هایی وجود دارد.

ارجاع یک وضعیت به دیوان، به این معناست که احتمال آغاز تحقیقات از سوی دادستان وجود دارد. در صورتی که دادستان تصمیم بر تحقیق بگیرد، این تحقیقات باید عملاً صورت بگیرند تا مشخص شود در وضعیت ارجاع شده، چه جرایمی روی داده‌اند و چه کسانی مسئول‌ترین افراد در برابر ارتکاب آنها هستند. محدوده‌ی یک وضعیت توسط دیوان مشخص می‌شود. به علاوه، در جریان یک وضعیت، این قربانیان هستند که بیشترین تأثیر را پذیرفته‌اند. از این رو، منافع بزه‌دیدگان باید از سوی دیوان لحاظ شده و حق مشارکت در این مرحله به آنان اعطا شود. شعبه‌ی مقدماتی I، با این استدلال که شرکت قربانیان در یک وضعیت در مقررات دیوان استثناء نشده است، در تصمیم ۱۷ ژانویه‌ی ۲۰۰۶، این حق را به قربانیان وضعیت جمهوری دموکراتیک کنگو اعطا کرد (Baumgartner, 2008, P. 414).

شکل‌گیری یک پرونده زمانی است که قرار دستگیری از سوی شعبه‌ی مقدماتی صادر شود. به موجب این قرار، فرد یا افرادی متهم به ارتکاب جنایت یا جنایت‌هایی شناخته می‌شوند. هنگامی که تعقیب یک پرونده‌ی خاص آغاز می‌شود، این امکان به وجود می‌آید که بزه‌دیدگان آن پرونده نیز تعیین شوند. از این رو، دفتر دادستانی در ۲۳ ژانویه‌ی ۲۰۰۶، خواستار عدم اعطای حق مشارکت در وضعیت به قربانیان شد. دادستان ادعا می‌نمود که شرکت بزه‌دیده در مرحله‌ی تحقیقات، مبنایی در اساسنامه ندارد (Ibid, P. 415) و دادرسی عادلانه و حقوق متهم را تحت تأثیر قرار می‌دهد (Wemmers, 2006, P. 15). در مورد تصمیم ۱۷ ژانویه‌ی ۲۰۰۶، ایراداتی نیز از سوی برخی حقوقدانان مطرح گردید که از میان آنها می‌توان به دو نمونه اشاره کرد:

نخست اینکه؛ توسعه‌ی جایگاه بزه‌دیده - به لحاظ قدرت و اختیاری که در آیین دادرسی دیوان به دست می‌آورد - منجر به تعارض آن با جایگاه دادستان خواهد شد (Bassiouni, op.cit, P. 246).

دوم اینکه؛ مشارکت بزه‌دیدگان در این مرحله به نفع خود آنها نیز نخواهد بود (Baumgartner, op.cit, P. 415 & 416). دیدگاه اخیر با این استدلال توجیه شده است؛ هیچ تضمینی وجود ندارد که بزه‌دیدگانی که برای مشارکت در مرحله‌ی تحقیقات شایسته انگاشته شده‌اند، استحقاق حضور در مراحل بعدی را نیز بیابند. به عنوان نمونه، احتمال دارد پرونده‌ای که به محاکمه می‌انجامد، در بردارنده‌ی جرایم خاصی که آنان قربانی آن بوده‌اند، نباشد. بدین ترتیب، انتظارات بزه‌دیدگان مبنی بر مشارکت در مراحل بعدی بی‌پاسخ می‌ماند و دچار نوعی ناامیدی می‌شوند.

در پایان این مبحث، بیان چند نکته ضروری است:

همان گونه که بند ۲ ماده‌ی ۸۹ آیین دادرسی و ادله مقرر داشته است، در صورتی که شعبه‌ی دیوان پس از بررسی درخواست مشارکت، چنین برداشت کند که فرد متقاضی، بزه‌دیده نیست و یا اینکه واجد شرایط برخورداری از حق مشارکت نمی‌باشد، درخواست وی را رد می‌کند. رد درخواست از سوی دیوان، مانعی برای درخواست مجدد نخواهد بود. در صورتی که قربانیان مایل به مشارکت در تمامی مراحل رسیدگی باشند، می‌توانند با تکمیل بخش «C» در فرم درخواست، متقاضی مشارکت مستمر شوند. در این صورت، بزه‌دیده‌ای که شایسته‌ی حضور در یکی از مراحل دادرسی دانسته شده است، برای حضور در مراحل بعدی، نیاز به ارسال فرم ندارد و دیوان به طور خودکار استحقاق او را برای مشارکت در مراحل بعدی بررسی خواهد کرد.

بر پایه‌ی بند ۱ ماده‌ی ۲۰ موافقت‌نامه‌ی مربوط به مزایا و مصونیت‌های دیوان، بزه‌دیدگان برای سفر به لاهه و حضور در دیوان از تسهیلاتی برخوردار خواهند بود که عبارتند از: مصونیت از دستگیری و بازداشت شخصی؛ مصونیت از ضبط چمدان‌های شخصی (مگر در صورت وجود جهات مهمی مبنی بر اینکه چمدان، حاوی کالاهای ممنوعه است)؛ مصونیت از هر نوع پیگرد قضایی در رابطه با گفتار یا نوشتار و تمام اعمالی که توسط آنان در خلال اقامه‌ی شهادت انجام شود (این مصونیت حتی پس از اقامه‌ی شهادت در دیوان ادامه خواهد یافت)؛ و معافیت از محدودیت‌های مهاجرتی و ثبت نام بیگانگان در اثنای مسافرت برای ارائه‌ی شهادت.

مشارکت بزه‌دیده در مراحل مختلف فرآیند رسیدگی دیوان به شیوه‌های متعددی محقق می‌شود.

ج) مصادیق مشارکت

در مواردی که منافع شخصی بزه‌دیدگان مورد تعرض قرار گیرد، دیوان اجازه‌ی مشارکت آنان را در مراحل مختلف دادرسی، به شیوه‌ای که منافی و یا معارض با حقوق متهم و نیز یک محاکمه‌ی بی‌طرفانه و منصفانه نباشد، صادر می‌کند (بند ۳ ماده‌ی ۶۸ اساسنامه‌ی رم). نکته‌ی مهم، موضوع برخورد و تضاد منافع و نگرانی‌های بزه‌دیده با منافع و نگرانی‌های متهم است. هر چند اصل رفتار منصفانه ایجاب می‌کند که حقوق مشخصی به مثابه آنچه متهمان بر پایه‌ی اصل دادرسی عادلانه از آن بهره‌مندند، برای بزه‌دیدگان نیز فراهم شود، نباید فراموش کرد که به رسمیت شناختن این حقوق نباید منجر به نادیده انگاشتن و پامال کردن حقوق متهمان شود.

جلوه‌های مشارکت بزه‌دیدگان در فرآیند کیفری عبارتند از:

بیان نظرها و دل‌نگرانی‌ها

بزه‌دیدگان می‌توانند دیدگاه‌ها، نظرات، دغدغه‌ها و دل‌نگرانی‌های خویش را در حضور دادرسان بیان کنند. رئیس شعبه‌ی مقدماتی در جلسه‌ی تأیید اتهامات لوبانگا - ۲۸ نوامبر ۲۰۰۶ - به قربانیان اظهار داشت: «ما با دقت بسیاری به سخنان شما گوش فرامی‌دهیم، زیرا شاید آنچه که شما بیان می‌نمایید دارای اهمیت بسیاری - به ویژه از منظر اساسنامه - باشد» (Will, op.cit, P.106).

بر پایه‌ی بند ۴ ماده‌ی ۵۰ آیین دادرسی و ادله، دیوان می‌تواند به هنگام تصمیم‌گیری در خصوص فرآیندهای رسیدگی، نظرات قربانیان را جویا شود. به علاوه، ماده‌ی ۹۳ آیین دادرسی و ادله‌ی دیوان با عنوان "دیدگاه‌های بزه‌دیدگان و نمایندگان قانونی آنان" مقرر کرده است؛ شعبه‌های دیوان می‌توانند دیدگاه‌های بزه‌دیدگان شرکت‌کننده در دادرسی‌ها و وکلایشان را در مورد هر موضوعی - از جمله تجدید نظر از تصمیم دادستان مبنی بر عدم شروع تحقیق یا تعقیب، برگزاری جلسه‌ی تأیید اتهامات در غیاب متهم، انجام محاکمه‌های مشترک و مستقل، صدور رأی در صورت اعتراف به جرم و ارائه‌ی تضمین به شاهد (مبنی بر مصونیت از تعقیب، بازداشت یا هر محدودیت دیگر در مورد فعل و ترک فعل پیش از عزیمت به دیوان) - درخواست کند. به علاوه، شعبه می‌تواند در صورت لزوم نظرات بزه‌دیدگانی را که در دادرسی‌ها حضور نداشته‌اند، استعلام کند.

پاسخگویی به سندها

بزه‌دیدگان و نمایندگان قانونی آنان، متناسب با دستور شعبه می‌توانند به هر سندی پاسخ دهند (بند ۲ ماده‌ی ۲۴ آیین نامه‌های دیوان).

پرسش از متهم، شاهدان و کارشناسان

نماینده‌ی قربانی در صورت تمایل به پرسش از شاهد، کارشناس و یا متهم، باید آن را از دادگاه درخواست نماید. شعبه می‌تواند بزه‌دیده را ملزم به ارائه‌ی یادداشت کتبی در مورد سؤالات خود نماید. سؤالات به دادستان و متهم منتقل می‌شوند و آنان اجازه‌ی ارائه‌ی دیدگاه‌های خود را در مهلت زمانی تعیین شده از سوی دادگاه خواهند داشت (قسمت الف بند ۳ ماده‌ی ۹۱ آیین دادرسی و ادله).

شعبه با ملاحظه‌ی مراحل رسیدگی، حقوق متهم، منافع شهود، نیاز به انصاف و انجام یک محاکمه‌ی سریع و عادلانه، در مورد درخواست مشارکت قراری صادر خواهد کرد. قرار ممکن است شامل راهنمایی‌هایی در مورد روش و نظم سؤالات و ارائه‌ی اسنادی در رابطه با اختیارات دادگاه باشد. به علاوه، دادگاه - در صورت لزوم - سؤال را از جانب نماینده‌ی قانونی بزه‌دیده از شاهد، کارشناس و یا متهم خواهد پرسید (قسمت ب بند ۳ ماده‌ی ۹۱ آیین دادرسی و ادله). کریستین پدوتو^۱ نخستین شاهده‌ی است که در دیوان حضور یافته است. او کمیسر عالی حقوق بشر در مسائل مربوط به حقوق کودکان بوده و از می ۲۰۰۳ تا ژوئن ۲۰۰۴، به عنوان مشاور حمایت از حقوق کودکان در ایتوری خدمت کرده است. او در ۲۱ نوامبر ۲۰۰۶، از سوی لوک والین مورد پرسش قرار گرفت. والین از وی پرسید: آیا او به هنگام رویارویی با والدین بی شماری که در پی یافتن فرزندان خود به وی مراجعه کرده‌اند، و در جریان مصاحبه‌های خود با آنها سوابقی را ثبت کرده است؟ این پرسش توسط قاضی از شاهد پرسیده شد (Will, op.cit, P. 103 & 104).

گفتار دوم . حق بهره‌مندی از معاضدت نماینده‌ی قانونی

نظر به اینکه فرآیند کیفری - به ویژه با لحاظ ویژگی‌های خاص آن در دیوان کیفری بین‌المللی - امری پیچیده و نیازمند تخصص حقوقی است، بزه‌دیدگان حق دارند که از

1.Christine Peduto

سوی یک نماینده‌ی قانونی یاری شوند. خیل عظیم قربانیان و بازماندگان جنایت‌های بین‌المللی، خواستار حضور در دیوان و بیان دغدغه‌های خویش در دادگاه هستند. از این رو، آیین دادرسی و ادله‌ی دیوان می‌کوشد تا با ایجاد محدودیت‌هایی مانند بیان دیدگاه‌های قربانیان از سوی نمایندگان قانونی و محدود کردن تعداد نمایندگان، مشارکت قربانیان در دیوان را ممکن و عملی سازد. وکلا با اعمال این حق، فرصتی می‌یابند تا با ایفای نقشی فعال در دیوان، از حقوق بزه‌دیدگان پشتیبانی نموده و آنان را در بازگشت به وضعیت پیش از بزه دیدگی یاری نمایند.

روند انتخاب نماینده‌ی قانونی در دیوان کیفری بین‌المللی تابع شرایطی است که در مقررات دیوان مورد اشاره قرار گرفته‌اند.

الف. شرایط وکیل و چگونگی انتخاب او

پس از آنکه شعبه‌ی مقدماتی بزه‌دیدگان را از شروع تحقیقات مطلع کرد، آنان می‌توانند نمایندگان را به‌طور کتبی به شعبه معرفی کنند (بند ۳ ماده‌ی ۵۰ آیین دادرسی و ادله). قربانیان در مورد انتخاب وکیل خود آزاد هستند (بند ۱ ماده‌ی ۹۰ آیین دادرسی و ادله). رئیس دفتر ثبت به منظور حمایت از حقوق بزه‌دیدگان در طول تمام مراحل دادرسی ملزم به سازماندهی وکلا و حمایت از آنان با پشتیبانی، مساعدت و اطلاع‌رسانی مناسب - از جمله ارائه‌ی تسهیلاتی که برای ایفای مستقیم وظایف آنان ضروری باشد - است (قسمت ب بند ۱ ماده‌ی ۱۶ آیین دادرسی و ادله).

نمایندگان قانونی می‌بایست دارای شرایط ذکر شده در آیین دادرسی و ادله و آیین‌نامه‌های دیوان باشند. از این رو:

وکیل باید دارای صلاحیت در حقوق بین‌الملل یا حقوق کیفری و آیین دادرسی بوده و بهره‌مند از دانشی برجسته باشد (بند ۱ ماده‌ی ۲۲ آیین دادرسی و ادله)؛

وکیل باید ۱۰ سال سابقه‌ی قضاوت، دادستانی، وکالت کیفری یا صلاحیت‌های مشابه در دادرسی کیفری داشته باشد (بند ۱ ماده‌ی ۶۷ آیین‌نامه‌های دیوان)؛

وکیل باید به یکی از زبان‌های کاری دیوان - انگلیسی یا فرانسه - مسلط باشد (بند ۱ ماده‌ی ۲۲ آیین دادرسی و ادله)؛ و

وکیل نباید به دلیل ارتکاب جرم جزایی یا انضباطی مهمی که با ماهیت شغل وکالت در دیوان ناسازگار به نظر برسد، محکوم شده باشد (بند ۲ ماده‌ی ۶۷ آیین‌نامه‌های دیوان).

چنانکه ملاحظه می‌شود، ویژگی‌های در نظر گرفته شده در مقررات دیوان کیفری بین‌المللی برای نمایندگان قانونی بزه‌دیدگان، به طور گسترده‌ای از شرایط پیش‌بینی شده برای وکلای مدافع متهمان، الهام گرفته‌اند. به منظور امکان بهره‌مندی همه‌ی بزه‌دیدگان از مساعدت و کلا، دیوان مساعدت وکلای مشترک را پیش‌بینی کرده است.

ب. وکیل عمومی بزه‌دیدگان

دیوان، از سویی مشارکت بزه‌دیدگان در دادرسی‌ها را راهبردی ضروری برای دسترسی آنان به عدالت می‌داند، و از سویی دیگر در پی تضمین حق متهم بر دادرسی عادلانه است. به همین دلیل، ابتدا حق مشارکت در دادرسی‌ها را به بزه‌دیدگان اعطا می‌نماید و سپس آن را به شیوه‌ای که معارض با حقوق متهم نباشد، سازماندهی می‌کند. حضور تعداد بی‌شماری از قربانیان در دادگاه و بیان دیدگاه‌ها و دغدغه‌های آنها، ممکن است تصمیمات دادرسان را متأثر سازد. از این رو، دیوان تشکیل گروه‌هایی از بزه‌دیدگان را پیش‌بینی نموده و وکالت آنان را به یک "وکیل عمومی" می‌سپارد.

دادگاه می‌تواند با مساعدت رئیس دفتر ثبت از تمام قربانیان یا گروه خاصی از بزه‌دیدگان در خواست نماید که نماینده یا نمایندگان مشترکی را برگزینند (بند ۲ ماده‌ی ۹۰ آیین دادرسی و ادله). رأی شعبه در این باره می‌تواند همزمان با تصمیم‌گیری در مورد درخواست قربانی یا قربانیان برای مشارکت در دادرسی‌ها صادر شود (بند ۱ ماده‌ی ۷۹ آیین نامه‌های دیوان). دفتر ثبت می‌تواند وکلایی را به بزه‌دیدگان پیشنهاد کند و یا آنان را به فهرستی از وکلای ارجاع دهد (بند ۲ ماده‌ی ۹۰ آیین دادرسی و ادله).

اگر بزه‌دیدگان نتوانند در مهلت تعیین شده از سوی شعبه، وکیل مشترکی انتخاب کنند، شعبه می‌تواند تعیین او را بر عهده‌ی رئیس دفتر ثبت گذارد (بند ۳ ماده‌ی ۹۰ آیین دادرسی و ادله). توجه به نظرات بزه‌دیدگان، رعایت سنت‌های محلی و کمک به گروه‌های خاص قربانیان، باید هنگام انتخاب یک نماینده‌ی قانونی مشترک، مدنظر قرار گیرد (بند ۲ ماده‌ی ۷۹ آیین نامه‌های دیوان). بدین منظور، شعبه و دفتر ثبت، تمامی مراحل منطقی را طی می‌نمایند تا اطمینان حاصل کنند که نماینده‌ی انتخابی، منافع خاص قربانیان را تأمین خواهد کرد (بند ۴ ماده‌ی ۹۰ آیین دادرسی و ادله). برای نمونه، منافع زنان قربانی تجاوز جنسی اقتضا می‌کند که یک زن وکالت آنها را برعهده گیرد. اگر بزه‌دیدگان از انتخاب

وکیل عمومی ناخشنود باشند، می‌توانند تا ۳۰ روز پس از ابلاغ تصمیم رئیس دفتر ثبت و بایگانی، از شعبه‌ی مربوطه درخواست تجدید نظر نمایند(بند ۳ ماده‌ی ۷۹ آیین نامه‌های دیوان).

بر مبنای بند ۲ ماده‌ی ۸۰ آیین نامه‌های دیوان، شعبه‌ی دیوان می‌تواند وکیلی را از "دفتر وکلای عمومی بزه‌دیدگان"^۱ برگزیند. دفتر وکلای عمومی - که در تاریخ ۱۹ سپتامبر ۲۰۰۵ تأسیس شد-، با انجام تحقیقات و راهنمایی‌های قضایی(قسمت الف بند ۴ ماده‌ی ۸۱ آیین نامه‌های دیوان) و حضور در شعبه‌ها، قربانیان را در رابطه با مسائل خاص(قسمت ب بند ۴ ماده‌ی ۸۱ آیین نامه‌های دیوان) یاری می‌دهد. دفتر وکلای عمومی فقط از نظر اداری زیر مجموعه‌ی دفتر ثبت و بایگانی است و از جهات دیگر همانند یک نهاد کاملاً مستقل عمل خواهد کرد(بند ۲ ماده‌ی ۸۱ آیین نامه‌های دیوان). این استقلال به دفتر اجازه می‌دهد تا عاری از هرگونه فشاری، در راستای حمایت از بزه‌دیدگان تلاش کند. حق بر آگاهی، سومین حق پیش‌بینی شده برای بزه‌دیدگان است.

گفتار سوم. حق آگاهی از نظام عدالت کیفری

تنها به این دلیل ساده که قربانیان در صورتی می‌توانند از خدمات موجود بهره‌برند که از وجود آنها آگاه باشند، "اطلاع‌رسانی"^۲ مهم‌ترین نیاز معرفی شده‌ی بزه‌دیدگان در ادبیات جرم‌شناسی است. ابزارهای بسیاری وجود دارند که می‌توان از آنها برای افزایش آگاهی بزه‌دیدگان یاری جست. برای نمونه می‌توان به آموزش دانش آموزان در مدرسه‌ها، اطلاع‌رسانی به عموم مردم از طریق نمایش‌های تلویزیونی، توزیع آگهی‌ها و بروشورهای حاوی مطالب اصلی آیین دادرسی و حقوق و تعهدات بزه‌دیدگان و اطلاع‌رسانی از رهگذر شبکه‌های رادیویی و پایگاه‌های اینترنتی اشاره کرد. اما آنچه که اهمیت دارد، این است که دیوان تا چه میزان می‌تواند از این ابزارها بهره‌برد؟

براساس مقررات آیین دادرسی و ادله‌ی دیوان، رئیس دفتر ثبت ملزم به اطلاع‌رسانی مناسب به بزه‌دیدگان است(قسمت ب بند ۱ ماده‌ی ۱۶). وی باید قربانیان را از حقوق خود

1. Office Of Public Counsel For Victims (OPCV)

2. Notification

بر پایه‌ی اساسنامه و آیین دادرسی و ادله و همچنین از ماهیت، وظایف و فواید "واحد بزه‌دیدگان و شاهدان"^۱ مطلع نماید (قسمت الف بند ۲ ماده‌ی ۱۶).

رئیس دفتر ثبت در انجام این وظیفه با موانع بسیاری روبه‌روست. گروه‌های آماج دیوان، اغلب در فاصله‌ی جغرافیایی بسیار زیادی از دیوان قرار دارند که موجب می‌شود اطلاع رسانی به آنان زمان‌بر و پرهزینه باشد. تعداد بی‌شماری از بزه‌دیدگان، ساکن روستاهایی با کمترین امکانات هستند. بی‌سوادی نیز موجب می‌شود اطلاع رسانی به صورت کتابچه‌ی راهنما، بروشور، پوستر و ... بی‌ثمر باشد. به علاوه، جمعیت‌های بزه‌دیده بسیار ناهمگون هستند، به زبان‌های متفاوتی صحبت می‌کنند و دارای فرهنگ‌ها و سنت‌های گوناگونی هستند. افزون بر این، می‌بایست وضعیت و شرایط حاکم بر مناطق درگیر در بحران را نیز در نظر داشت. خشونت و ناامنی فراگیر در این مناطق، اطلاع رسانی را مشکل‌تر می‌سازد. برای مثال، دیوان چگونه می‌تواند یک میلیون و هشتاد و پنج هزار آواری دارفوری (باباخانی، ۱۳۸۷، ص ۱۵۸) را از حقوق خود مطلع نماید؟!

آنچه در این میان اهمیت بیشتری می‌یابد، اطلاع رسانی در مورد بزه‌دیدگان خاص است. برخی قربانیان به دلیل شرایط خاصی نظیر کودکی، سالمندی، بیماری، ناتوانی‌های جسمی و ذهنی و ... نیازمند تدابیر ویژه‌ای هستند. دیوان که نهادی بسیار کوچک با چندصد نفر پرسنل - و جوان است، برای تمام اقدامات خود بر حسن نیت و همکاری دولت‌ها و سازمان‌های جامعه‌ی مدنی اتکاء دارد. دیوان امیدوار است بتواند در سطح وسیعی از کمک و همیاری سازمان‌های غیر دولتی فعال در مناطق درگیر در بحران‌ها، بهره‌مند گردد. سازمان‌های غیر دولتی با تکیه بر ظرفیت‌های بی‌بدیل خود، نقش اثرگذاری در راستای این هدف ایفا می‌کنند.

صرف نظر از تمام موانع موجود، دیوان در راستای آگاه‌سازی قربانیان اقدامات ارزنده‌ای انجام داده است. برای نمونه، می‌توان به برگزاری جلسه‌ی اطلاع رسانی دو روزه‌ای - ۷ و ۸ سپتامبر ۲۰۰۸ -، از سوی دیوان اشاره کرد. این گردهمایی برای مردمان روستاهای ایتوری ترتیب داده شد. در این جلسه بیش از ۲۸۰ نفر از زنان قربانی جنگ، غیر نظامیان و سالمندان بزه‌دیده، برای نخستین بار این امکان را یافتند که اطلاعاتی در خصوص جایگاه و فعالیت‌های دیوان، به طور کلی در کنگو، و به طور خاص در ایتوری، دریافت

1. Victims And Witnesses Unit (VWU)

نمایند (<http://www.icc-cpi.int/press/pressrelease/419.html>). همچنین، دیوان توانست در طول سال ۲۰۰۹ با برگزاری ۳۶۵ جلسه در مناطق درگیر بحران، ۳۹۶۶۵ نفر را با این نهاد آشنا نموده و ۳۴ میلیون نفر را از طریق رادیو و تلویزیون محلی تحت پوشش اطلاع‌رسانی خود قرار دهد (Stover, et al, op.cit, P. 8 & 9).

این اقدامات موجب شده‌اند که تعداد بیشتری از مردم با دیوان آشنا شوند. پیمایشی در سال ۲۰۰۷ نشان می‌دهد، در اوگاندا ۶۰٪ از مردم دیوان را می‌شناخته‌اند و این رقم در مقایسه با ۲۷٪ در سال ۲۰۰۵ پیشرفت چشمگیری داشته است (Ibid, P. 9). مشارکت بزه‌دیدگان در دادرسی‌ها با آگاه‌سازی آنان از پیشرفت‌های به دست آمده در پرونده تضمین می‌شود. با به جریان افتادن یک پرونده، بزه‌دیده می‌خواهد بداند که به عنوان نمونه؛ آیا کسی دستگیر شده است؟ آیا قراری صادر شده است؟ نتیجه‌ی هر یک از جلسات دادگاه چه بوده است؟ چه مجازاتی برای مجرم تعیین شده است؟ و... ممکن است سیستم عدالت کیفری - به ویژه دیوان برای بزه‌دیدگانی که نمی‌دانند چه انتظاراتی از آنان می‌رود و چه انتظاراتی می‌توانند داشته باشند، ترسناک جلوه کند و منشأ اضطراب و نگرانی گردد. پژوهش‌های انجام شده در مورد اطلاع‌رسانی به بزه‌دیدگان، گویای این حقیقت است که قربانیان آگاه از روند پرونده، احساس می‌کنند برای ابراز تمایلات خویش فرصتی یافته‌اند و این تمایلات از سوی مقام‌های قانونی لحاظ شده و بر پیامد پرونده اثرگذار بوده است (اداره‌ی کنترل مواد مخدر و پیشگیری از جرم سازمان ملل متحد، ۱۳۸۴، ص ۸۲). چنین احساسی منجر به اعتماد بزه‌دیدگان به سیستم عدالت کیفری شده و آنان را به همکاری با دیوان تشویق می‌کند.

آگاه‌سازی قربانیان و یا نمایندگان آنان از رهگذر صدور اعلامیه یا ابلاغیه، به رئیس دفتر ثبت سپرده شده است (قسمت الف بند ۱ ماده‌ی ۱۶ آیین دادرسی و ادله). او باید از آگاهی به موقع بزه‌دیدگان از تصمیماتی که تأثیر مهمی بر منافع آنان دارد، اطمینان یابد (قسمت ب بند ۲ ماده‌ی ۱۶ آیین دادرسی و ادله). اطلاع‌رسانی دیوان به قربانیان را می‌توان در سه سطح - آگاهی از زمان بندی رسیدگی‌ها، آگاهی از اسناد و مفاد آنها و آگاهی از تصمیم‌ها - بررسی نمود.

الف. آگاهی از مراحل رسیدگی و زمان بندی آنها

قربانیان واجد شرایط مشارکت در دادرسی‌ها و یا نمایندگان قانونی آنها، از تمام مراحل رسیدگی دیوان، شامل تاریخ جلسات مقدماتی و هرگونه تعویق آنها و تاریخ ابلاغ رأی، به موقع آگاه خواهند شد (قسمت الف بند ۵ ماده ۹۲ آیین دادرسی و ادله). تصمیم دیوان مبنی بر برگزاری جلسه‌ی تأیید اتهامات، در صورت امکان به کسانی که در رابطه با وضعیت یا پرونده‌ی مورد نظر با دادگاه مکاتبه داشته‌اند نیز اطلاع داده می‌شود (بند ۳ ماده ۹۲ آیین دادرسی و ادله). رئیس دفتر ثبت در انجام این امر می‌تواند همکاری دولت‌های عضو و مساعدت سازمان‌های دولتی را درخواست نماید (بند ۸ ماده ۹۳ آیین دادرسی و ادله). ابلاغیه‌های بعدی، تنها به قربانیانی که بتوانند براساس یکی از قرارهای شعبه در دادرسی‌ها مشارکت نمایند، ارائه خواهد شد (بند ۴ ماده ۹۲ آیین دادرسی و ادله).

مراحل و نتایج رسیدگی‌های مربوط به جبران خسارات، به قربانیان و وکلای ابلاغ می‌شود (بند ۱ ماده ۹۶ آیین دادرسی و ادله). دیوان تلاش می‌کند تا با همکاری دولت‌های عضو مرتبط و مساعدت سازمان‌های دولتی - در گستره‌ی ممکن و با تمام وسایل مقدور - با تبلیغ رسیدگی‌های مربوط به جبران خسارات، سایر بزه‌دیدگانی که در دادرسی‌ها حضور نیافته‌اند را نیز مطلع سازد (بند ۲ ماده ۹۶ آیین دادرسی و ادله). کمک‌های مالی دیوان به بزه‌دیدگان، مختص به قربانیان مشارکت کننده در دادرسی‌ها نیست. از این رو، اطلاع رسانی درباره احکام مربوط به جبران خسارات از اهمیت خاصی برخوردار است و در صورتی که به نحو شایسته انجام شود، منافع بسیاری برای شمار زیادی از بزه‌دیدگان به همراه خواهد داشت.

ب. آگاهی از سندها و مفاد آنها

دفتر ثبت، بزه‌دیدگان واجد شرایط حضور در دادرسی‌ها را از تمامی اسناد - شامل درخواست‌ها، تأییدها، پیشنهادها و سایر سندهای مرتبط - مطلع خواهد کرد (قسمت ب بند ۵ ماده ۹۲ آیین دادرسی و ادله)، مگر آنکه طرف ارائه کننده‌ی سند به نحو دیگری درخواست کرده باشد (بند ۱ ماده ۳۱ آیین نامه‌های دیوان). بدین منظور، قربانیان می‌بایست آدرس پستی، آدرس الکترونیکی و یا نامبر خویش را که از لایه قابل دسترسی باشد، به دیوان ارائه دهند. بزه‌دیدگان، زمانی مطلع فرض خواهند شد که اسناد عملاً برای

آنان و یا نمایندگان قانونی آنان ارسال شده باشد. احراز این امر بر عهده‌ی دفتر ثبت و بایگانی است (بند ۲ ماده‌ی ۳۱ آیین نامه‌های دیوان).

در صورتی که بزه‌دیده از معاضدت نماینده‌ی قانونی بهره‌مند باشد، ارسال سند به آدرس ارائه شده از سوی وکیل، به منزله‌ی ابلاغ خواهد بود. هنگامی که بزه‌دیده وکیل نداشته باشد، زمان اطلاع وی - یا شخص، سازمان یا مؤسسه‌ی تعیین شده توسط او - از سند، به منزله‌ی تاریخ ابلاغ است (بندهای ۳ و ۴ ماده‌ی ۳۲ آیین نامه‌های دیوان). ابلاغ‌ها باید به صورت کتبی، و در صورت عدم امکان به هر نحو مناسب دیگر انجام شود (بند ۷ ماده‌ی ۹۲ آیین دادرسی و ادله). در این راستا، شعبه‌ی مقدماتی [در تصمیم ۳ ژوئیه‌ی ۲۰۰۸، به نمایندگان ۳۲ قربانی - در وضعیت جمهوری دموکراتیک کنگو - اجازه‌ی دسترسی به اسناد عمومی را اعطا کرد (http://www.vrwg.org/publications/01/2008%20August_legal_Update.pdf)].

ج. آگاهی از تصمیم‌ها

بزه‌دیدگانی که در دادرسی‌ها مشارکت کرده‌اند، از تمام تصمیمات دیوان - آراء و قرارها - از طریق دفتر ثبت و بایگانی آگاه خواهند شد (بند ۱ ماده‌ی ۳۱ آیین نامه‌های دیوان). این تصمیمات بر مبنای مقررات آیین دادرسی و ادله‌ی دیوان، شامل موارد زیر است:

- ◀ تصمیم دادستان مبنی بر عدم شروع تحقیق یا عدم تعقیب (بند ۵ ماده‌ی ۵۰)؛
 - ◀ تصمیم شعبه‌ی مقدماتی در مورد تجویز شروع تحقیق یا عدم آن (بند ۲ ماده‌ی ۹۲)؛
 - ◀ تصمیم‌های شعبه‌ی محاکمه در موارد؛ قابلیت پذیرش یک موضوع، صلاحیت دیوان، مسئولیت کیفری متهم، مجازات و جبران خسارت از قربانیان (بند ۲ ماده‌ی ۱۴۴)؛
 - ◀ نتیجه‌ی هرگونه ابهام یا ایراد وارد بر صلاحیت یا قابلیت پذیرش (بند ۱ ماده‌ی ۵۹) و نیز تصمیمات شعبه‌ی تجدید نظر مبنی بر تأیید، نقض یا اصلاح آراء (بند ۲ ماده‌ی ۱۵۳).
- تشریفات مربوط به انجام ابلاغ‌ها، تابع مقررات بیان شده در خصوص اسناد است. در رابطه با آراء و قرارهای شفاهی، بزه‌دیده از روزی که رأی یا قرار به طور شفاهی در شعبه به وی تفهیم شده باشد، ابلاغ شده فرض می‌شود، مگر اینکه او هنگام ایراد رأی یا قرار در دادگاه، غایب بوده یا وکیل نداشته است و یا اینکه شعبه، ارسال کتبی رأی یا قرار را تصریح نموده باشد (قسمت ب بند ۵ ماده‌ی ۳۱ آیین نامه‌های دیوان). در صورتی که

قربانیان یا وکلای آنان در مرحله‌ی مشخصی از رسیدگی‌ها مشارکت کرده باشند، رئیس دفتر ثبت در اولین فرصت ممکن، آنان را از تصمیمات دیوان در مورد آن مرحله - در صورت امکان به شکل کتبی و گرنه به هر نحو مناسب دیگر (بند ۶ ماده‌ی ۹۲ آیین دادرسی و ادله) - آگاه خواهد ساخت (بند ۷ ماده‌ی ۹۲ آیین دادرسی و ادله).
حق تأمین امنیت بزه‌دیدگان آخرین حق لحاظ شده از سوی دیوان است.

گفتار چهارم. حق امنیت

یکی از پیامدهای مهم بزه‌دیدگی، پیدایش احساس نا‌امنی در وجود بزه‌دیدگان است. هنگامی که کشمکش‌های نظامی همچنان در جریان‌اند و مرتکبین جنایت‌های بین‌المللی به اشغال مواضع قدرت ادامه می‌دهند، خطر تهدید یا انتقام، نه تنها نسبت به بزه‌دیدگانی که به دفاع از حقوق خویش برخاسته‌اند، بلکه همچنین نسبت به اعضای خانواده‌ی احتمالی آنها، امری واقعی جلوه می‌کند. تحقیقات نشان می‌دهند که تکرار بزه‌دیدگی در مناقشات مسلحانه متداول‌تر است (وان فر کم، ۱۳۸۳، ص ۵۶).

دادگاه یوگسلاوی در رویارویی با این حقیقت که برخی از بزه‌دیدگان حاضر در دیوان به عنوان شاهد، ممکن است نگرانی‌های به جایی در مورد در معرض انتقام قرار گرفتن داشته باشند، "واحد بزه‌دیدگان و شاهدان" را ایجاد نمود (رید برگ، ۱۳۸۳، ص ۱۹۵). این واحد، به منظور کاهش اضطراب‌ها تا بیشترین میزان ممکن و ایجاد محیطی امن برای شهادت شهود ایجاد گردید.

بند ۱ ماده‌ی ۷۹ آیین نامه‌های دفتر ثبت تأکید کرده است؛ اقدامات و سیاست‌های تضمین‌کننده‌ی امنیت شاهدان باید به شکلی طراحی شده و توسعه یابند که شهود بتوانند در محیطی امن شهادت خود را ارائه کنند، به طوری که تجربه‌ی ارائه‌ی گواهی به آسیب روحی، صدمه‌ی بیشتر و درد و رنج عاطفی منتهی نشود. رئیس دفتر ثبت می‌بایست اقدامات مربوط به بزه‌دیدگان، شاهدان و افراد در معرض خطر را، بدون هیچ تمایزی مبنی بر جنس، سن، نژاد، رنگ، زبان، مذهب، عقیده، ملیت، عقیده‌ی سیاسی و غیر سیاسی، اخلاق، اجتماع، نسب، سلامتی، ولادت یا هر وضعیت دیگری، انجام دهد (بند ۲ ماده‌ی ۷۹ آیین نامه‌های دفتر ثبت و بایگانی).

دیوان برای تکمیل تحقیقات و انجام رسیدگی‌های خود متکی بر شهادت گواهان است. از این رو، تأمین امنیت شهود اهمیت ویژه‌ای دارد. تأمین امنیت بزه‌دیدگان که در زمره‌ی حمایت‌های واکنشی - با هدف جلوگیری از تکرار بزه دیدگی - می‌گنجد، شیوه‌ی قدرتمندی برای کاهش بزه‌دیدگی کلی نیز به شمار می‌آید. حجم وسیعی از مقررات دیوان به موضوع امنیت بزه‌دیدگان اختصاص یافته است که گویای اهمیت این مسأله‌ها از منظر دیوان است. تدابیر امنیتی پیش‌بینی شده از سوی دیوان را می‌توان در دو سطح، با توجه به متولی تأمین امنیت - در نگاه اول - و ماهیت اقدامات امنیتی - در نگاه دوم - بررسی کرد.

الف. تأمین امنیت از سوی نهادها

تضمین امنیت بزه‌دیدگان در مراحل مختلف دادرسی، بر عهده‌ی هر یک از ارگان‌های درگیر در وضعیت یا پرونده، نهاده شده است. این امر با راهنمایی‌ها و مساعدت‌های واحد بزه‌دیدگان و شاهدان تکمیل می‌شود. بدین ترتیب، تأمین امنیت بزه‌دیدگان بر عهده‌ی دادستانی، شعبه‌ی مقدماتی، شعبه‌ی محاکمه، واحد بزه‌دیدگان و شاهدان و همچنین دولت‌های عضو نهاده شده است.

دادستانی

بر پایه‌ی بند ۱ ماده‌ی ۶۸ اساسنامه‌ی رم، دادستان باید تمام تدابیر مناسب امنیتی را به ویژه در جریان تحقیق و تعقیب اتخاذ کند. وی می‌تواند به منظور حمایت از اشخاص و اطمینان از محرمانه ماندن اطلاعات، اقدامات لازم را انجام داده و یا تقاضای انجام آنها را بنماید (قسمت و بند ۳ ماده‌ی ۵۴ اساسنامه).

شعبه‌ی مقدماتی

شعبه‌ی مقدماتی می‌تواند در صورت ضرورت دستورهای مبنی بر تأمین حفاظت قربانیان و شهود صادر نماید (قسمت ج بند ۳ ماده‌ی ۵۷ اساسنامه). در این راستا، شعبه‌ی مقدماتی I در تصمیم ۲۳ ژوئن ۲۰۰۸ در پرونده‌ی دادستان در برابر کاتانگا و چویی در وضعیت جمهوری دموکراتیک کنگو، به ۳۵ بزه‌دیده حق "عدم ابراز هویت" اعطا کرد (http://www.vrwg.org/publications/01/2008%20August_legal_Update.pdf).

این حق، در شمار تدابیر حفاظتی و اقدامات امنیتی دیوان می‌گنجد.

شعبه‌ی محاکمه

شعبه‌ی محاکمه، امنیت قربانیان و شهود را پیش از محاکمه و همچنین هنگام محاکمه تضمین می‌نماید (قسمت و بند ۶ ماده‌ی ۶۴ اساسنامه). شعبه بنا به درخواست شاهد، بزه‌دیده، نمایندگان قربانیان، به پیشنهاد دادستان و یا به میل خود - و در صورت اقتضاء پس از رایزنی با واحد بزه‌دیدگان و شاهدان - دستور انجام اقدامات حمایتی را صادر می‌کند. پیش از صدور دستور، شعبه - در هر زمان ممکن - رضایت شخصی را که اقدامات حمایتی در مورد او پیش‌بینی شده است، جلب خواهد کرد (بند ۱ ماده‌ی ۸۷ آیین دادرسی و ادله). شعبه به منظور تصمیم‌گیری در خصوص اتخاذ اقدامات امنیتی - مانند پیشگیری از انتشار هویت یا موقعیت بزه‌دیده یا شاهد در سطح جامعه، مطبوعات یا نهادهای اطلاع‌رسانی - جلسه‌ی غیرعلنی برگزار خواهد کرد (بند ۳ ماده‌ی ۸۷ آیین دادرسی و ادله).

۴. واحد بزه‌دیدگان و شاهدان

واحد بزه‌دیدگان و شاهدان برای نخستین بار از سوی دادگاه‌های اختصاصی شورای امنیت ملل متحد ایجاد شد. واحد بزه‌دیدگان و شاهدان دادگاه رواندا، بیش از ۲۵۰ شاهد را از ۲۰ کشور مختلف از آفریقا، اروپا و آمریکای شمالی ساماندهی کرده است (کیتی شیایزری، ۱۳۸۳، ص ۵۵۸). این واحد به منظور پشتیبانی و حمایت از قربانیان و شهودی که نزد دیوان حضور می‌یابند، تأسیس شده است. اعضای خانواده‌ی قربانیان و شهودی که در معرض خطر قرار دارند نیز، از سوی واحد بزه‌دیدگان و شاهدان یاری می‌شوند. بر مبنای ماده‌ی ۹۵ آیین‌نامه‌های دفتر ثبت، ایجاد خط تلفن شبانه روزی برای مساعدت به بزه‌دیدگان و اعمال اقدامات حمایتی و همچنین کمک‌رسانی به افراد در معرض خطر، پیش‌بینی شده است. هر چند این واحد از جهت اداری زیر مجموعه‌ی دفتر ثبت است، اما در عملکرد خویش از استقلال برخوردار است. استقلال و بی‌طرفی واحد بزه‌دیدگان و شاهدان باعث می‌شود که این نهاد قادر باشد منافع گروه‌های مورد نظر خویش را صرف نظر از نقشی که در محاکمه ایفا می‌نماید، تضمین کند.

واحد بزه‌دیدگان و شاهدان در اتخاذ ترتیبات امنیتی به دادستان، دیوان و وکیل مدافع کمک می‌کند و با تنظیم طرح‌های بلندمدت و کوتاه مدت، امنیت قربانیان را تأمین می‌نماید. این واحد همچنین، روشی جاری برای انجام تحقیقات را - حسب مورد - برای مأموران تحقیق دیوان، وکلای مدافع و تمام سازمان‌های تحقیقاتی و غیر دولتی که با دیوان

همکاری می‌کنند، پیشنهاد می‌نماید (قسمت الف بند ۲ ماده‌ی ۱۷ آیین دادرسی و ادله). این مرکز کمک‌های اداری و فنی مناسب را برای بزه‌دیدگان در خلال تمام مراحل دادرسی مهیا کرده (قسمت ج ماده‌ی ۱۸ آیین دادرسی و ادله) و حسب مورد از همکاری سازمان‌های تحقیقاتی و غیر دولتی (قسمت هـ ماده‌ی ۱۸ آیین دادرسی و ادله) و کارشناسانی با تخصص در زمینه‌ی حمایت و حفاظت از شهود (قسمت الف ماده‌ی ۱۹ آیین دادرسی و ادله)، بهره‌مند می‌شود.

دولت‌های عضو

همان‌گونه که بند ۴ ماده‌ی ۸۷ اساسنامه‌ی دیوان در مورد درخواست همکاری از دولت‌های عضو اشاره کرده است، اطلاعات فراهم شده می‌بایست به نحوی به دیوان ارائه و انتقال داده شوند که امنیت جسمانی و روانی هر یک از بزه‌دیدگان، شاهدان یا اعضای خانواده‌ی احتمالی آنان تأمین گردد. دولت‌های عضو به هنگام ارائه‌ی مساعدت به دیوان در رابطه با تحقیقات و تعقیب‌ها، حمایت از قربانیان و شهود را تضمین می‌نمایند (قسمت ی بند ۱ ماده‌ی ۹۳ اساسنامه).

تعداد دولت‌هایی که به عضویت دیوان درآمده‌اند - تا تاریخ ۲۲ سپتامبر ۲۰۱۱ - به ۱۱۸ کشور رسیده است. ۳۲ کشور از افریقا؛ ۱۷ کشور از آسیا؛ ۱۸ کشور از اروپای شرقی؛ ۲۶ کشور از امریکای لاتین و دولت‌های حوزه‌ی کارائیب و ۲۵ کشور از اروپای غربی و دیگر کشورها هستند (<http://www.icc-cpi.int/Menus/ASP/states+parties>). همکاری دولت‌ها با واحد بزه‌دیدگان و شاهدان در تنظیم و اجرای کارآمد ترتیبات حفاظتی و امنیتی، می‌تواند منجر به ایجاد تعادل و توازن میان حقوق متهمان و شاهدان شود. با تضمین امنیت شهود از سوی کشورها، دیوان می‌تواند هویت آنان را فاش کند و بدین ترتیب، حق متهم بر دادرسی عادلانه تأمین گردد. از این رو، بهره‌گیری دیوان از این امکان، دارای اهمیت فراوانی است و از عدم تعادل احتمالی این دو گونه حق - که از مهمترین موضوعات مورد اهتمام دیوان نیز می‌باشد - جلوگیری خواهد کرد. نهادهایی که در تعامل با بزه‌دیدگان قرار دارند به شیوه‌های متفاوت و متنوعی - متناسب با وظایف خود - امنیت آنان را تضمین می‌نمایند.

ب. ماهیت اقدامات امنیتی

تدابیر امنیتی دیوان در پنج دسته قابل بررسی هستند.

دادرسی غیر علنی

جلسات استماع در دیوان به صورت علنی برگزار می‌شود (ماده ۶۷ اساسنامه). به عنوان استثنایی بر این اصل، شعبه‌های دیوان می‌توانند برای حفاظت از قربانیان یا شهود، هر مرحله از دادرسی را به صورت غیر علنی برگزار نمایند (بند ۲ ماده ۶۸ اساسنامه). شعبه‌ی محاکمه نیز می‌تواند بخشی از رسیدگی را به صورت غیر علنی انجام دهد. برگزاری جلسات استماع دیوان به شکل غیر علنی در شمار اقدامات حمایتی‌ای است که در صحن دادگاه انجام می‌پذیرد تا نیاز به حمایت‌های خارج از دیوان را کاهش دهد. انجام اقدامات حفاظتی در خارج از دیوان، برای این نهاد بین‌المللی که پلیس ویژه‌ای در اختیار ندارد، با موانع بسیاری مواجه است. از این رو، دیوان می‌کوشد با حفاظت از بزه‌دیدگان و شاهدان در دیوان، نیاز به اقدامات امنیتی خارج از دادگاه را به کمترین میزان ممکن برساند.

ارائه‌ی ادله از طریق وسایل ویژه

در شرایط عادی، بزه‌دیدگانی که به عنوان شاهد در دیوان حضور یافته‌اند به طور شخصی ادای شهادت می‌نمایند، اما در مواردی که شناسایی شاهد از سوی متهم و یا دوستان وی، خطراتی را متوجه شاهد، اعضای خانواده‌ی او و یا سایر اشخاص نماید، پیشگیری از این امر ضروری است. به همین دلیل بند ۲ ماده ۶۸ اساسنامه، ارائه‌ی ادله را از رهگذر وسایل الکترونیکی یا سایر وسایل ویژه تجویز کرده است.

شعبه‌ای که در حال رسیدگی به پرونده است، می‌تواند دستوری مبنی بر ارائه‌ی گواهی به وسیله‌ی دستگاه‌های الکترونیکی یا سایر ابزارهای ویژه - مانند استفاده از ابزارهای فنی که جایگزینی تصویر یا صدا را امکان‌پذیر می‌کند - و همچنین استفاده از فناوری صوتی- تصویری به ویژه ویدئو کنفرانس (قسمت و ماده ۹۴ آیین نامه‌های دفتر ثبت و بایگانی)، تلویزیون مدار بسته و استفاده‌ی انحصاری از رسانه‌ی صوتی صادر کند (قسمت ج بند ۳ ماده ۸۷ آیین دادرسی و ادله). ماده ۹۴ آیین نامه‌های دفتر ثبت و بایگانی نیز، استفاده از ابزارهای تغییر صدا (قسمت ج) و تغییر تصویر (قسمت ب) را پیش‌بینی کرده است. با کمک این ابزارها می‌توان به شیوه‌ای عمل کرد که صدا و تصویر شهود، در سالن صحن

عمومی دادگاه قابل تشخیص نباشد. بهره‌گیری از این امکانات، نقشی اساسی در پیشگیری از انتقام جویی‌های بعدی و تکرار بزه دیدگی ایفا می‌کند.

آموزش رازداری به کارکنان

اطلاعات ارائه شده به دیوان، اهمیت بسیار زیادی نزد قربانیان دارد و حفظ و نگهداری این اطلاعات از سوی کارکنان دیوان، بسیار حساس و ارزشمند است. بر همین پایه، واحد بزه‌دیدگان و شاهدان آموزش‌هایی در خصوص امنیت و رازداری، به کارکنان خود ارائه کرده (قسمت الف بند ۲ ماده‌ی ۱۷ آیین دادرسی و ادله) و از انجام این امر اطمینان حاصل خواهد کرد (قسمت د ماده‌ی ۱۸ آیین دادرسی و ادله). کارکنان دیوان می‌بایست بالاترین معیارهای رازداری را در انجام وظایف خویش رعایت نمایند (بند اول قسمت ی بخش محرمانگی در بند ۱.۲ ماده‌ی ۱ آیین‌نامه‌های کارکنان). آنان موظف به حفاظت از محرمانگی اطلاعات و مدارک - به هر شکل مقرر شده از سوی دیوان - و خودداری از نقض مقررات نگهداری ایمن، ذخیره‌سازی و امنیت اطلاعات و مدارک هستند (بند دوم قسمت ی بخش محرمانگی در بند ۱.۲ ماده‌ی ۱ آیین‌نامه‌های کارکنان).

بر مبنای بند ۱ ماده‌ی ۸۸ آیین‌نامه‌های دفتر ثبت و بایگانی، اطلاعات مربوط به شهود، بزه‌دیدگان حاضر در دیوان، اعضای خانواده‌هایشان، افراد تحت سرپرستی و همچنین اشخاص در معرض خطر - به موجب ارائه‌ی شهادت - باید در محلی امن نگهداری شود. همچنین، باید یک بانک اطلاعاتی ایمن برای حفاظت از اطلاعات افراد نامبرده ایجاد شود، که دسترسی به آن فقط برای اعضای دفتر ثبت - و در صورت نیاز برای مشارکت کنندگان - امکان‌پذیر باشد (بند ۲ ماده‌ی ۸۸ آیین‌نامه‌های دفتر ثبت و بایگانی).

آزادی محدود متهم پیش از محاکمه

متهم پس از دستگیری و انتقال به دیوان، تا زمان محاکمه در بازداشت خواهد بود. او می‌تواند درخواستی مبنی بر آزادی موقت تا زمان محاکمه، به دیوان ارائه دهد. شعبه‌ی مقدماتی، پس از آنکه نظر دادستان را در این مورد جویا شد، در مورد درخواست متهم تصمیم‌گیری خواهد کرد. آیین دادرسی و ادله‌ی دیوان، اعطای این حق به متهم و بهره‌مندی او از آزادی تا زمان محاکمه را محدود به شرایطی نموده است که "ممانعت متهم از تماس مستقیم یا غیر مستقیم با قربانیان یا شهود" از جمله‌ی آنهاست (قسمت ج بند ۱ ماده‌ی ۱۱۹). شعبه‌ی مقدماتی پیش از تحمیل یا تغییر هر یک از شرایط محدود کننده‌ی

آزادی، نظرات بزه‌دیدگان مرتبط با موضوع را جویا خواهد شد (بند ۳ ماده‌ی ۱۱۹)، زیرا گفته‌های بزه‌دیدگان در مورد تأثیرهای احتمالی آزادی متهم بر آنان، تصمیم‌گیری مناسب شعبه را تضمین خواهد کرد.

محدودیت‌های افشاء

بزه‌دیدگان به هنگام تکمیل فرم‌های درخواست مشارکت در دادرسی می‌توانند از دیوان تقاضا نمایند که هویت آنها و یا اطلاعات ارسالی، فاش نشود. موریس آنیا^۱ - وکیل عمومی قربانیان وضعیت کنیا - با برگزاری جلساتی - در سپتامبر ۲۰۱۱ - پیرامون درخواست بزه‌دیدگان مبنی بر عدم افشای هویتشان، با آنان به گفتگو پرداخته است (ICC-CPI-20110921-PR724, 2011). همچنین، سورتا چانا^۲ - نماینده قانونی انتصابی دیوان - با برگزاری نشست‌هایی - ۲۲ تا ۲۴ آگوست ۲۰۱۱ - در نایروبی - کنیا - با حدود ۱۰۰ نفر از ۳۲۷ قربانی مجاز به مشارکت در پرونده‌ی دادستان در برابر ویلیام سامویی روتو، هنری کیرونو کاسگی و جوزف آرپ سانگ، در مورد اجازه افشا یا عدم افشای هویت قربانیان و نگرانی‌های آنان نسبت به امنیت شخصی‌شان صحبت کرده است (ICC-CPI-20110830-PR715, 2011).

بر همین مبنا، دادستان (بند ۵ ماده‌ی ۶۸ اساسنامه) و یا دادرسان رسیدگی‌کننده به وضعیت یا پرونده‌ی مورد نظر (ماده‌ی ۴۳ آیین دادرسی و ادله)، درباره‌ی اتخاذ تدابیر امنیتی ضروری تصمیم‌گیری خواهند کرد. دادستان می‌تواند تاپیش از محاکمه اطلاعات و مدارک را افشاء نکند، البته با توجه به این مسأله که حق متهم بر دادرسی عادلانه حفظ شود. دیوان از رهگذر اتخاذ تدابیر متفاوتی می‌تواند امنیت قربانیان را تأمین نماید که به مواردی از آنها اشاره کرده است. اقدامات پیش‌بینی شده در مقررات دیوان عبارتند از:

- ❖ حذف نام بزه‌دیده - و یا هر اطلاعات دیگری که می‌تواند منجر به شناسایی هویت او شود - از سوابق عمومی شعبه (قسمت الف بند ۳ ماده‌ی ۸۷ آیین دادرسی و ادله)؛
- ❖ استفاده از نام مستعار برای بزه‌دیده (قسمت د بند ۳ ماده‌ی ۸۷ آیین دادرسی و ادله و قسمت الف ماده‌ی ۹۴ آیین نامه‌های دفتر ثبت و بایگانی)؛

1. Morris Anyah
2. Sureta Chana

◀ ممنوعیت متهم یا هر شخص مرتبط با دادرسی، از افشای اطلاعات بزه‌دیدگان نزد اشخاص ثالث (قسمت ب بند ۳ ماده‌ی ۸۷ آیین دادرسی و ادله)؛

◀ مطلع نمودن بزه‌دیدگان حاضر در دیوان به عنوان شاهد، از پخش صوتی یا تصویری دادرسی‌ها (بند ۳ ماده‌ی ۲۱ آیین نامه‌های دیوان)، به منظور پیشگیری از ارائه‌ی اطلاعاتی که مایل به افشای آنها نیستند؛

◀ پخش صوتی یا تصویری دادرسی‌ها با تأخیر حداقل ۳۰ دقیقه‌ای، به منظور حفاظت از اطلاعات حساس (بند ۲ ماده‌ی ۲۱ آیین نامه‌های دیوان).

رایزنی با بزه‌دیدگان و یا نمایندگان آنها در مورد اتخاذ هر یک از ترتیبات امنیتی، در بند ۹ ماده‌ی ۱۲۱ آیین دادرسی و ادله‌ی دیوان مورد تأکید قرار گرفته است. از این رو، قربانیان می‌توانند با ابراز نظرات خود در مورد تصمیمات دیوان، استفاده از بهترین تدابیر را برای اجرایی اثرگذار، تضمین کنند. دیوان تاکنون ترتیبات امنیتی متعددی را اعمال کرده است. از میان آنها می‌توان به تصمیم ۱۰ ژوئن شعبه‌ی مقدماتی در پرونده‌ی کاتانگا اشاره نمود. در جریان اعطای حق مشارکت در دادرسی‌ها - در مرحله‌ی پیش از محاکمه - به ۵۱ نفر از میان ۹۷ درخواست ارائه شده، ۳۷ نفر از بزه‌دیدگان خواستار حفظ هویت خود بودند که این حق به آنان اعطا شد. قربانیان شرکت کننده در جلسه‌ی تأیید اتهامات لوبانگا نیز، به شکل کدگذاری شده و با عنوان‌های a/001، a/002 و a/003 در دیوان حاضر شدند.

نتیجه

تلاش‌های گسترده‌ای که در سطح جهانی به منظور تضمین و ترویج دستاوردهای حقوق بشری در قلمرو دادرسی کیفری صورت گرفت، منجر به ظهور مفاهیمی نظیر دادرسی عادلانه، رفتار منصفانه و حق دسترسی به عدالت در سیستم عدالت کیفری بین‌المللی گردید. رفتار منصفانه با قربانیان و حق دسترسی آنان به عدالت، در گرو پیش‌بینی سازوکارهایی حقوقی، به منظور حمایت از بزه‌دیدگان است. دیوان بین‌المللی کیفری نیز با پیش‌بینی گونه‌های متفاوتی از حمایت‌های حقوقی، در مسیر اجرای عدالت برای بزه‌دیدگان گام برداشته است.

اعطای "حق مشارکت در دادرسی‌ها" به قربانیان جنایت‌های بین‌المللی، از ویژگی‌های منحصر به فرد دیوان به شمار می‌آید. برای نخستین بار در تاریخ عدالت کیفری بین‌المللی،

بزه‌دیدگان می‌توانند به طور مستقیم در برابر دادرسان حضور یافته و دیدگاه‌ها و دل‌نگرانی‌های خود را بازگو نمایند. بزه‌دیده، که پیش از این تنها به عنوان شاهدی برای اثبات جرم به ایفای نقش می‌پرداخت، اکنون می‌تواند در جلسات استماع حضور یافته و از دغدغه‌های خود سخن بگوید. به علاوه، خیل عظیم بازماندگان جنایت‌های بین‌المللی برای امکان حضور در دیوان، نیازمند معرفی یک نماینده‌ی قانونی هستند. از این رو، مشارکت بزه‌دیدگان در دادرسی‌ها، از رهگذر وکلای آنان محقق می‌شود.

بهره‌گیری از حق مشارکت در دادرسی‌ها، حقوق دیگری را نیز برای بزه‌دیدگان به همراه آورده است. دیوان می‌بایست بزه‌دیدگان را از پیشرفت‌های به دست آمده در پرونده، مراحل رسیدگی‌ها و زمان بندی آنها، اسناد - درخواست‌ها، تأییدها، پیشنهادها و... - و تصمیمات - آراء، قرارها و احکام مربوط به جبران خسارت - آگاه نماید. به علاوه، دیوان باید با پیش‌بینی تدابیر حفاظتی، امنیت قربانیان، اعضای خانواده‌هایشان، اشخاص تحت سرپرستی و افراد در معرض خطر را تأمین کند. بر همین اساس، "واحد بزه‌دیدگان و شاهدان" به منظور پیشگیری از تکرار بزه دیدگی و حفاظت از قربانیان و اعضای خانواده‌ی احتمالی آنها ایجاد شده است.

دیوان بین‌المللی کیفری، با کوشش در گزینش بهترین شیوه‌های حمایت از بزه‌دیدگان و عملیاتی و اجرایی نمودن این راهکارها، در پی ایجاد جایگاهی مناسب برای بزه‌دیدگان و حمایت شایسته از آنان در عدالت کیفری بین‌المللی بوده است. مقررات دیوان به دلیل برخورداری از پشتوانه‌ی مستحکم توافق جامعه‌ی جهانی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. بررسی و تحلیل این مقررات با رویکردی بزه‌دیده‌شناختی، نه تنها جایگاه بزه‌دیده را در نظام عدالت کیفری بین‌المللی مشخص می‌کند، بلکه می‌تواند به عنوان الگویی ارشادی، از سوی مقنن مورد توجه قرار گیرد.

منابع

- اداره‌ی کنترل مواد مخدر و پیشگیری از جرم سازمان ملل متحد (مرکز بین‌المللی پیشگیری از جرم)، (۱۳۸۴)، "عدالت برای بزه‌دیدگان"، ترجمه‌ی علی شایان، تهران، سلسبیل.
- باباخانی، عطیه، (۱۳۸۷)، "جامعه بین‌المللی و مقابله با نقض حقوق بشردوستانه در بحران دارفور"، مجله‌ی حقوقی، ش ۳۸.
- رید برگ، آسا، (۱۳۸۳)، "بزه‌دیدگان و دیوان کیفری بین‌المللی در یوگسلاوی سابق"، (زیر نظر هنریک کاپتین و مارک مالچ نیکل)، "جرم بزه‌دیدگان و عدالت (مقالاتی در مورد اصول و رویه)"، ترجمه‌ی امیر سماواتی پیروز، تهران، خلیلیان.
- رضوی فرد، بهزاد، حقوق بین‌الملل کیفری، نشر میزان، ۱۳۹۰.
- شبت، ویلیام.ا.، (۱۳۸۴)، "مقدمه‌ای بر دیوان کیفری بین‌المللی"، ترجمه‌ی سید باقر میر عباسی و حمید الهوتی نظری، تهران، جنگل.
- کیتی شیایزری، کریانگ ساک، (۱۳۸۳)، "حقوق بین‌الملل کیفری"، ترجمه‌ی بهنام یوسفیان و محمد اسماعیلی، تهران، سمت.
- محمد نسل، غلامرضا، (۱۳۸۵)، "مجموعه‌ی مقررات دیوان کیفری بین‌المللی"، تهران، دادگستر.
- والین، لوک، (۱۳۸۵)، "قربانیان و شهود در جنایات بین‌المللی: از حق حمایت تا حق بیان"، ترجمه‌ی توکل حبیب زاده و مجتبی جعفری، مجله‌ی حقوقی، ش ۳۴.
- وان فرکم، انگ، (۱۳۸۳)، "نقش بزه‌دیده در عدالت ترمیمی: آیا عدالت ترمیمی نفعی برای بزه‌دیدگان داشته است؟"، (زیر نظر مارتین رایت، تونی مارشال، مایکل مایز و دیگران)، "عدالت ترمیمی: ارتقاء بخشیدن رویکرد بزه‌دیده محوری (مجموعه مقالات)"، ترجمه‌ی امیر سماواتی پیروز، تهران، خلیلیان.
- Bassiouni, M. Cherif, (2006), "International Recognition of Victims' Rights", Human Rights Law Review, Vol. 6, No. 2.
- Baumgartner, Elisabeth, (2008), "Aspects Of Victim Participation In The Proceedings Of The International Criminal Court ", International Review of The Red Cross, Vol. 90, No. 870.
- Booklet: "Victims Before The International Criminal Court", at: http://www.icc-cpi.int/library/victims/VPRS_Booklet_En.pdf.

- ICC-CPI-20110921-PR724 (Press Release: 21.09.2011), "*Kisumu: Registry and the common legal representative for victims consult with Kenyan victims ahead of the Confirmation of Charges Hearing in the case The Prosecutor v. Francis Kirimi Muthaura, Uhuru Muigai Kenyatta and Mohammed Hussein Ali*", at: <http://www.icc-cpi.int/menus/icc/press%20and%20media/press%20releases/news%20and%20highlights/pr724>.
- ICC-CPI-20110830-PR715 (Press Release: 30.08.2011), "*Nairobi: ICC legal representative consults with Kenyan victims on identity disclosure and clarifies distinction between victims and witnesses*", at: <http://www.icc-cpi.int/menus/icc/press%20and%20media/press%20releases/news%20and%20highlights/pr715>.
- International Criminal Court (RC/ST/V/INF.3), (2010), "*Registry and Trust Fund for Victims Fact Sheet*".
- International Criminal Court (RC-11-Annex.V.a-ENG), (2010), "*The impact of the Rome Statute system on victims and affected communities*", Stocktaking of international criminal justice, Annex V(a).
- Mekjiant, Gerard J. & Mathew C. Varughese, (2005), "*Hearing The Victims' Voice: Analysis Of Victims' Advocate Participation In The Trial Proceeding Of The International Criminal Court*", International Law Review (PACE University), Vol. xvii, No. 1.
- Stover, Eric, Camille Crittenden, Alexa Koenig, Victor Peskin, Tracey Gurd, et al, (2010), "*The impact of the Rome Statute system on victims and affected communities*", Review Conference of the Rome Statute, International Criminal Court, RC-ST-V-INF.4-ENG-30052010.
- Walklate, Sandra, (2003), "*Understanding Criminology: Current Theoretical Debates*", Buckingham, Open University Press.
- Wemmers, Jo-Anne, (2006), "*Reparation And The International Criminal Court: Meeting The Needs Of Victims*", Report of the workshop held January 28th 2006.
- Will, Mary, (2007), "*A Balancing Act: The Interoduction Of Restorative Justice In The International Criminal Court's CASE Of The PROSECUTOR V. THOMAS LUBANGA DYILO*", Journal of Transnational Law and Policy, Vol. 1
- Williams, Katherine S., (2004), "*Textbook on Criminology*", New York, Oxford University Press.
- <http://www.icc-cpi.int/Menus/ICC/Situations+and+cases/Situations>.
- <http://www.icc-cpi.int/Menus/ICC/Situations+and+Cases/Cases>.
- <http://www.icc-cpi.int/Menus/ASP/states+parties>.
- <http://www.icc-cpi.int/press/pressrelease/419.html>.
- http://www.vrwg.org/publications/01/2008%20August_legal_Update.pdf.